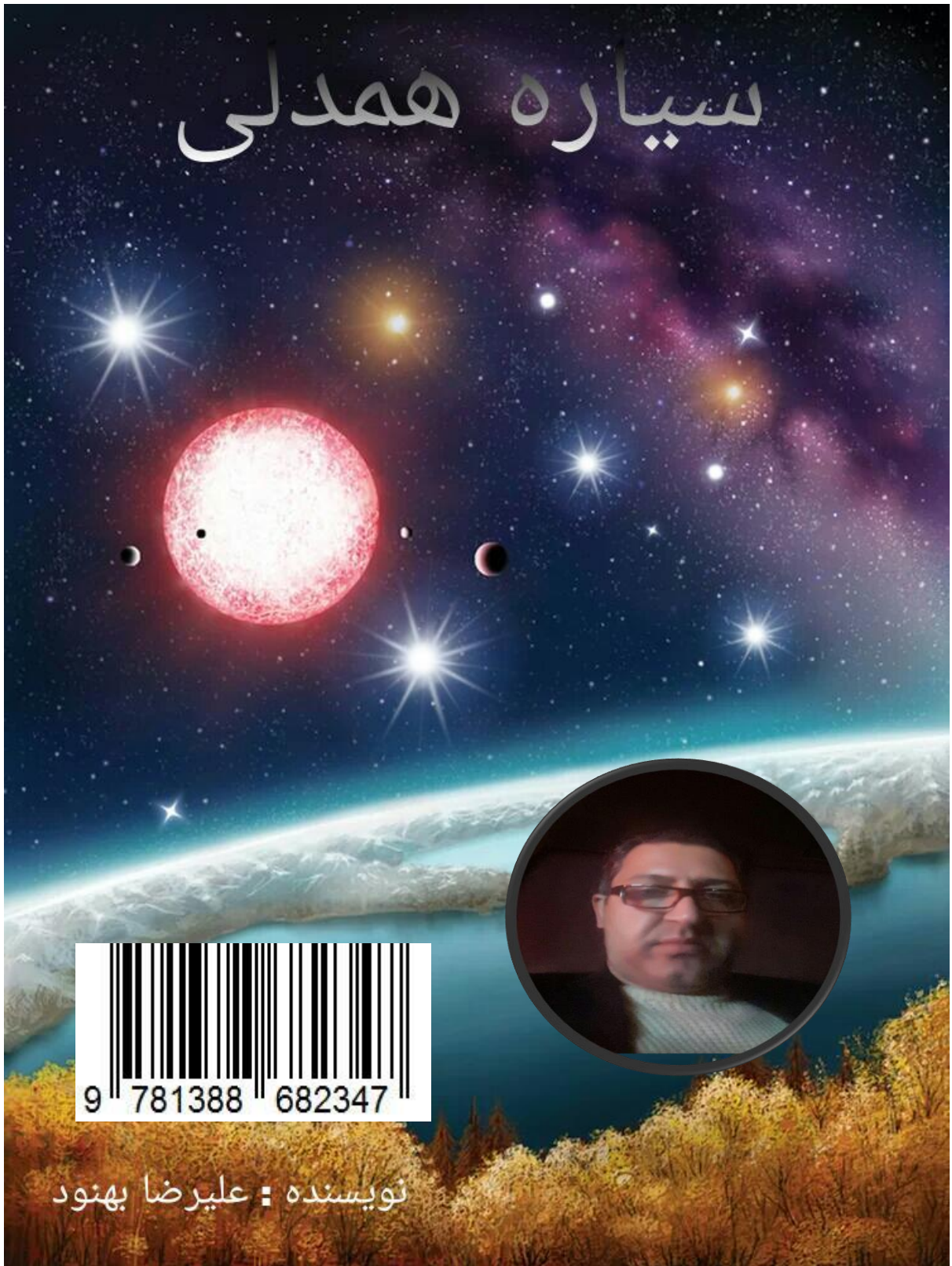


# سیاره همدلی



نویسنده: علیرضا بهنود

ISBN :

9781388682347

## به نامش

مقدمه

در این عالم بی انتها و در بین سیاره های بی شماری که توانسته ایم کشف کنیم تا به امروز نتیجه وجود حیات در سیاره های دیگر منتفی می باشد و تنها در سیاره خودمان یعنی زمین زندگی و حیات بدان گونه که ما میشناسیم وجود دارد. وقتی به این فکر میکنم که در این عالم پهناور تنها انسانهایی هستیم که زندگی میکنیم ترس همه وجود من را در بر میگیرد و فکر زندگی آینده ما انسانها در این کره خاکی و چه خواهد شد افکارم را اذیت میکند ولی وقتی به اینکه آفریننده ای حتما هست فکر میکنم کمی من را تسکین میدهد. این تنهایی باید عامل همدلی بین ما انسانها باشد و با فکر به این که چرا ما انسانها بعد از دست دادن یکی از عزیزان خودمان ناراحت میشویم و در زمان زندگی اش اگر آزاری به او نرسانده باشیم یار و یاور نیز نبوده ایم و اتفاقاتی که برای ما انسانها شاید در آینده بیفتد چنانکه در گذشته بدون

اینکه فکرش را بکنیم افتاده است، من را به فکر نوشتن این کتاب انداخت. این کتاب برگرفته از تخیلات من در مورد وجود زندگی در سیاره ای به نام سیاره همدلی می باشد که آنها هم مثل ما خودشان را تنها حیات زنده در عالم می دانند و نتوانسته اند حیاتی غیر از خودشان در سیاره های دیگر پیدا کنند و اتفاقی که برای سیاره آنها می افتد باعث میشود با هم همدل و مهربان باشند و اسم سیاره خود را هم سیاره همدلی بگذارند. داستان زندگی خانواده ای می باشد که در سال دو هزار و بیست و هفت به تاریخ سیاره همدلی زندگی می کنند و از اول پیدایش زندگی در سیاره همدلی از سلسله اجداد نسل به نسل خود که اجداد شان به جا گذاشته اند، باخبر هستند و به آن افتخار می کنند و از آثار به جا مانده از اجداد شان صاحب نمایشگاهی می باشند که امتیاز این نمایشگاه از نسلی به نسل دیگر منتقل شده است و باعث منبع درآمد آن خانواده نیز میباشد. خانواده را با نام خانواده اولدر می شناسند و رسم نام گذاری در سیاره همدلی این گونه می باشد که نام کوچک را عدد روز و ماه تاریخ تولد میگذارند و آقای توناین اولدر و خانم وان الیون اولدر صاحب دو فرزند یکی پسر به نام تری وان اولدر یازده ساله و دیگری دختر به نام ایت سون اولدر نوزده ساله

میباشند. که در اینجا از نام عددی آنها استفاده می شود  
یعنی ناین پدر و الیون مادر و وان پسر و سون دختر.

داستان از صبح یکی از روزها مثل روزهای دیگر سیاره  
همدلی در خانواده اولدر شروع می شود.

الیون : ناین عزیزم بیدار شو صبحانه حاضره.

ناین : عزیزم ساعت چنده مگه؟

الیون : یک ربع به هشت.

ناین : عزیزم تا من دست و صورتم را بشورم بچه ها را  
بیدار میکنی؟

الیون : باشه.

همه خانواده سر میز برای صرف صبحانه حاضرند.

ناین : دخترم بعد دانشگاه حتما بیای نمایشگاه. من و  
مادرت باید بریم بیمارستان.

سون : باشه بابا.

وان : بیمارستان چرا مگه چی شده؟

سون : قراره زن عمو بچه بیاره وان.

ناین : پسرم دختر عموت امروز به دنیا میاد.

الیون : دخترم سرویس دانشگاه دم در منتظره زود باش.

سون : خب من رڦتم.

اليون : پسر م تو هم زود بخور الان سرويس مدرسه ات ميرسه.

وان : مامان من خوردم. مامان ميشه منم بيرين  
بیمارستان دختر عمو رو بينم؟

اليون : نه پسر م بیمارستان نمیشه وقتی رفتن خونشون  
مبیرم بينی. به سرويس گفتم بیره خانه خاله. خاله رو  
اذیت نکن باشه مامان؟

وان : باشه. سرويس اومد من رڦتم.

ناين : مواظب خودت باش پسر م.

وان : باشه بابا.

اليون : ميگم آقا کادو چی بگيريم؟

ناين : عزيزم هر چی شما صلاح بدانی.

اليون : به نظر من برایش یک حساب بانکی باز کنیم و پول  
کادو رو بریزيم به حسابش. نظرت چیه؟

ناين : عزيزم فعلا به دنيا نيومده و نمیشه کسی که  
نیست، برایش تو بانک حساب باز کرد.

اليون : راست ميگی نمیشه.

ناین : این تست هوش از اون تستهای سخت بود  
درسته؟

ایون : نه باور کن ندونستم. حالا پس تا ظهر فکر کنم اگه  
چیزی به نظرم رسید موقع رفتن به بیمارستان براش  
میخریم.

ناین : باشه عزیزم کاری نداری من رفتم.

ایون : مواظب خودت باش و اینم بدون خیلی دوستت  
دارم.

ناین : منم خیلی دوستت دارم.

و ناین سوار ماشین شده و به طرف نمایشگاه حرکت  
میکند. بعد از ظهر می شود و سون وارد نمایشگاه می  
شود.

سون : سلام بابا ظهر بخیر.

ناین : سلام دخترم ظهر تو هم بخیر بیا بشین پشت میز،  
لیست افراد بازدید کننده در داخل اینهاست و لیست  
بعدی هم اینه. بلدی که به پرسش بازدید کننده ها در  
مورد اشیاء و لوازم و تابلوها جواب بدی؟

سون : آره بابا.

ناین : پس من رفتم.

سون : سلام برسان به عمو و زن عمو.

ناین سوار بر ماشین به طرف خانه میرود تا با همسرش به بیمارستان بروند و دم در با ایون تماس میگیرد.

ناین : سلام عزیزم من پایین منتظرم.

ایون : سلام آقای چشم اوادم.

ایون از خونه میاد بیرون و سوار ماشین میشود.

ناین : عزیزم مثل همیشه زیبا و شیک شدی، واقعا افتخار میکنم به خودم که شما همسر هستین.

ایون : آقای با مردی خوش تیپ مثل شما مگه چاره ای هم میمونه برام!

ناین : عزیزم فکر کردی که چی باید بخریم؟

ایون : آره . یک واحد بیت کوین انتقال میدیم به حساب مادرش به شرط اینکه بعد از تولد، خودشون حساب برایش باز کنند و انتقال بدن به حساب دخترشان.

ناین : فکر عالی. عزیزم امروز بازدید کننده ای در مورد نسل هفتم خیلی سوال میکرد و می گفت چرا و چگونه و با چه استدلالی باید یک شب بخوابند و بعد از بیدار شدن بفهمن که چندین سال تو خواب بودند و باز به فکر انداخت منو که از لحاظ منطقی همیشه چنین اتفاقی

بیفتد و طرح این پرسش باز ترس منو از به خطر افتادن اطلاعات دست به دست شده که شاید نادرست باشد، فرا گرفت.

الیون : این مسئله یکی از پرچالش ترین اطلاعات اجداد شماست و حتما باید برایش دلیل منطقی پیدا شود و گرنه من هم می ترسم باعث از بین رفتن تلاشهای چندین ساله اجدادتان بشود.

ناین : منم موافقم حتما باید جوابی منطقی با مطالعه دقیق تر و کارشناسی تر به این نقطه مبهم پیدا کنیم.

الیون : آقای من به هوش و استعداد شما باور دارم و می دانم حتما جواب منطقی برایش خواهید یافت.

ناین : حتما با همفکری شما! شماره کیف پول زن داداش رو گرفتی؟

الیون : آره . الان با موبایل آمادش کردم فقط مانده شما منوی ارسال رو لمس کنین تا تایید بشود.

ناین : عزیزم این کاره سخت رو هم خودتان انجام بدین!

الیون : هر چی شما بگین آقای منم از ارسال و تایید شد و تمام.



ناین : اینم از بیمارستان، شما پیاده شین من پارک کنم  
بیام.

الیون : چشم.

ناین ماشین را پارک میکند و با الیون وارد اتاق بخش  
زایمان بیمارستان می شوند. اسم برادر ناین فورد و  
همسرش ایت می باشد. بعد از سلام و احوال پرسی.

الیون : ناین بین چه خوشگله؟

ناین : فکر کنم به زن داداش شبیه تا داداش.

الیون : اسمش که وان تری میشه و برعکس اسم پسر  
وان!

فورد : داداش واقعا راضی به زحمت نبودیم در مورد بیت  
کوین. همین که هستین خودش بهترین هدیه است.

ناین : داداش حالا کجاشو دیدین بزار بزرگ بشه باهش  
کار دارم!

الیون : آره داداش فورد، وان بینه کار دیگه تمومه و فکر  
کنم دیگه دختر خودمون بشه!

ایت : داداش ناین و الیون، شما بزرگ مایی هر چی شما  
بگین.

ناین : زن داداش به سلامتی بزرگ بشه خودش تصمیم  
باید بگیره.

و بعد این مباحث فورد و ایت مسئله رو که تو بیمارستان  
شنیدن به ناین و الیون توضیح میدند.

فورد : داداش تو بیمارستان دکترها از اتفاق عجیبی که  
افتاده و علم پزشکی رو درگیر کرده صحبت می کردند.

ناین : چه اتفاقی؟

فورد : میگن مدتی هست که خانواده ها نمی تونند  
صاحب بیشتر از یک فرزند بشن.

الیون : داداش فورد حتما خانواده ها خودشون نمی  
خوان.

فورد : نه زن داداش مسئله چیزه دیگه ای هست.

ایت : الیون دکترها میگن یک نوع اتفاق و یا بیماری  
باعث می شه و می گن خیلی وقته این اتفاق افتاده و  
دولت نمی خواد رسانه ای بشه. میگن کل توان پزشکی  
رو بسیج کردن تا دلیلش رو بفهمن.

ناین : با این پیشرفت علم حتما دلیلش رو می فهمن.

فورد : داداش می گن اگه براش راهی پیدا نشه در آینده  
باعث انقراض نسل بشر میشه!

وقت ملاقات تمام میشه و ناین و ایون سوار ماشین میشن.

ایون : عزیزم این اتفاق تک فرزندی اگه راهی براش پیدا نشه خیلی زود باعث انقراض بشریت میشه.

ناین : واقعا وحشتناک میشه اگه راهی براش پیدا نکنند و من مطمئنم حتما راهی براش پیدا میکنن.

ایون : آقا با اجازت سون رو بردارم برم خونه خواهرم؟

ناین : عزیزم پس بریم نمایشگاه و با سون و ماشین من بریم.

ایون : پس غذا تو بیارم نمایشگاه بخوری؟

ناین : نه عزیزم اگه گشتم شد سفارش میدم بیارن.

بعد از پیاده شدن ناین، ایون و سون میرن خونه خواهر ایون که اسمش توفایو و اسم شوهر خواهرش تریتو هستش.

ایون : سلام فایو.

فایو : سلام ایون. سلام سون جونم خوبی خاله.

سون : خوبم خاله شما خوبی.

فایو : مگه میشه شما رو ببینم و خوب نباشم.

الیون : فایو میگم وان اذیتت که نکرده؟

فایو : نه خواهر چه اذیتی؟ از وقتی اومده خوابیده.  
میگفت امروز درس زیاد خوندم خوابم میاد.

الیون : شوهرت حالش خوبه؟

فایو : اونم خوبه وقتی بهش گفتم وان قراره بیاد پیشم  
خوشحال شد و گفت که حتما شام دور هم باشیم.

بعد از احوال پرسی و پذیرایی فایو الیون اتفاقات افتاده  
رو به فایو میگه.

الیون : فایو امروز تو بیمارستان میگفتن که اتفاقی یا  
بیماری مدتی هست باعث شده نشود بیشتر از یک  
فرزند بدنیا آورد.

فایو : خواهر مگه میشه، حتما سیاست دولت هستش.

الیون : نه فایو، اونجوری که میگفتن عاملش فعلا  
ناشناخته هستش و مدتی هست که اتفاق افتاده و دولت  
نمیخواسته همه با خبر بشن تا باعث هرج و مرج نشه.

فایو : یعنی تو همه کشورها اینحوریه.

الیون : اینو نمیدونم ولی اگر علتش رو پیدا نکنند باعث  
انقراض نسل بشر میشه.

فایو : با این پیشرفت علم حتما روش درمانش رو پیدا می کنن.

الیون : فایو میگن مدتی هست که دولت خبر دارد و اگه تونسته بودن حتما تو این مدت علتش رو فهمیده بودن.

فایو : اتفاقه خیلی مهمیه و باید صبر کرد تا ببینیم چی میشه. به ناین زنگ بزن بگو که شام بیاد.

الیون : فایو راضی به زحمت نیستیم بزار بمونه برای بعد.

فایو : چه زحمتی خواهر. مگه من غیر شما کی رو دارم. تربیتو هم تاکید کرده که شام دور هم باشیم.

الیون : پس بزار تماس بگیرم. سلام ناین.

ناین : سلام عزیزم.

الیون : فایو و تربیتو میگن شام دور هم باشیم.

ناین : هر چی شما صلاح بدونین عزیزم.

الیون : عصر میام دنبالت.

ناین : نه عزیزم من به تربیتو میگم بیاد دنبالم.

الیون : باشه عزیزم. مواظب خودت باش.

ناین : چشم.

عصر ناین و تریتو با هم وارد خونه میشن و بعد از احوالپرسی و خوردن شام صحبت ها شروع میشه.

فایو: تریتو شنیدی عامل ناشناخته ای باعث شده صاحب بیشتر از یک فرزند نشد. تو دکتری و حتما باید خبر داشته باشی.

تریتو: آره خبر دارم و متاسفانه حقیقت دارد. من یک سال میشه میدونم.

فایو: یک سال میشه! چرا به من نگفتی.

تریتو: آخه عزیزم خودت که میدونی دکترها محرم اسرارن. این مسئله در آن زمان زیاد جدی نگرفته شد و فکر میکردیم حتما راهی برای درمانش خواهیم یافت ولی متاسفانه نتوانستیم دلایلش رو بفهمیم تا راهی براش پیدا کنیم. ولی دو سه روزه دولت تصمیم به انتشار این خبر گرفته تا بلکه بتوان با کمک همه رشته ها راهی برای فهمیدن دلیل اتفاقش پیدا کرد.

ناین: تریتو چقدر احتمال دارد بشود راهی براش پیدا کرد؟

تریتو: ناین راستشو بگم که خیلی احتمالش کمه و تو این مدت که آزمایشهای پیچیده و مطالعات دقیقی هم که برای فهمیدن دلیلش انجام شده، به شکست انجامیده.

الیون: تریتو به نظرت باعث انقراض نسل ها بشه؟

تریتو: الیون اگه راهی نشود براش پیدا کرد حتما باعث انقراض بشریت در آینده خواهد شد.

در این بین پخش خبری در شبکه خبری از تلویزیون نگاه همه رو جلب کرد.

مجری: با سلام به همه بینندگان خبر ویژه و سلام و خوش آمد خدمت وزیر محترم درمان و پزشکی.

وزیر: منم سلام دارم خدمت بینندگان محترم و شما و همکاران تان.

مجری: جناب وزیر خبری در بین مردم پخش شده مبنی بر بروز بیماری ناشناخته که باعث میشود زنها نتوانند بیشتر از یک مورد زایمان داشته باشند، آیا این خبر تایید میشود؟

وزیر: متأسفانه حدود یک سال پیش ما با توجه به آمار متولدین پی بردیم که کلیه زنان بستری جهت زایمان، اولین زایمانشان می باشد و با دقت و مطالعه فهمیدیم

که آخرین زایمان دو فرزند می مربوط به دو سال قبل می باشد و در واقع دو سال میشود که هیچ زنی دومین زایمانی انجام نداده است.

مجری: آقای وزیر بفرمایید که این اتفاق خاص مربوط به کشور ماست و یا بین المللی می باشد؟

وزیر: در سال قبل با دستور رئیس جمهور تیمی محرمانه متشکل از سیستم های امنیتی و دفاعی تشکیل شد تا بررسی نماید که عامل این اتفاق آیا حمله بیولوژیکی یا ویروسی از طرف جوامع دیگر می باشد که با تحقیق و مطالعه فهمیدیم این عامل ناشناخته در همه جوامع اتفاق افتاده و دولتهای آنها اصلا خبر نداشتند و ما آنها را از این اتفاق مطلع نمودیم.

مجری: آیا عامل این اتفاق میکروب یا ویروس می باشد و آیا زن یا مرد عامل این اتفاق می باشند؟

وزیر: با مطالعه و آزمایشهای محرمانه پیشرفته پزشکی دلیل وجود ویروس یا میکروب منتفی می باشد و این اتفاق هنوز ناشناخته می باشد و تیم های تخصصی ویژه ای با همکاری جوامع بین المللی تشکیل و در حال تحقیق و مطالعه می باشند و در مورد سوال دوم شما که تا دلیل بروز این اتفاق کشف نشود نمی شود گفت



عامل زن هست یا مرد. متأسفانه با تحقیق روی همه گونه های پستانداران، متوجه شدیم این عامل ناشناخته در پستانداران نیز باعث بروز این اختلال شده است.

مجری : آیا این روند منجر به انقراض بشریت خواهد شد؟

وزیر : با نشت سران جوامع مختلف، کارگروهی بین المللی تشکیل شده است که خانواده های بدون فرزند باید طبق اصول برنامه ریزی شده در آن اقدام به فرزند آوری کنند تا منجر به تعادل نسل های پیش رو از لحاظ سنی شود و تا یافتن عامل و درمانش بتوان از انقراض جلوگیری کرد.

مجری : این برنامه ریزی آیا دخالتی در آزادی انسانها خواهد داشت؟

وزیر : متأسفانه باید بگم جهت پیشگیری از انقراض بشریت باید مردم همکاری نمایند و آزادی بعد انقراض بشریت معنی نخواهد داشت، پس دولتها مجبور به تغییر برخی از بندهای قوانین می باشند تا بتوان با هماهنگی از انقراض جلوگیری نمود. ما از زمان پیدایش حیات در این سیاره با چنین فاجعه ای روبرو نشده بودیم و این عمل ناشناخته طبق نظر دانشمندان، شاید باعث انقراض دایناسورها شده باشد و با تحقیق متوجه پیدایش

موجودات تازه ای شده ایم، نه اینکه تازه کشف شوند بلکه تازه خلق شده اند و این ترس در بین دانشمندان بوجود آمده که شاید پیدایش حیات مرحله ای می باشد و مثل انقراض دایناسورها، نوبت انقراض ما پستانداران نیز رسیده باشد. البته این موضوع فعلا در حد تئوری می باشد و به همین خاطر از همه مردم می خواهم طبق مواد بیانیه کار گروه عمل کنند تا بلکه بتوان از انقراض بشریت با برنامه ریزی جلوگیری نمود.

مجری : تشکر میکنم از وزیر محترم و همچنین از شما بینندگان بخش ویژه خبری.

الیون : به نظرم بحران خیلی عمیق تر از آنچه من فکر می کردم می باشد.

ناین : عزیزم علم در همه عرصه ها پیشرفت کرده و به نظرم راهی برای این پیشامد و جلوگیری از آن حتما خواهند یافت. نظر تو چیه تریتو؟

تریتو : با نظر تو موافقم به شرطی که عامل اصلی این اتفاق را بتوان فهمید. اگر عامل این اتفاق کشف شود حتما می توان راهی برای درمانش پیدا کرد.

بعد از اتمام مهمانی خانواده اولدر سوار بر ماشین به طرف خانه حرکت می کنند.

ناین : این اتفاق حتما باعث دخالت در مسائل داخلی خانواده ها خواهد شد.

الیون : در چه مسائلی؟

ناین : حتما در انتخاب بنیان خانواده اعم از ازدواج اجباری و شاید کدام دختری با کدام پسر ازدواج کند و در چه زمانی صاحب فرزند شوند و مثل اینها.

الیون : حتما هم موقع زایمان نجات جان نوزاد مهمتر از نجات جان مادرش خواهد بود. این اتفاق من را خیلی می ترساند.

ناین : باید صبر کرد تا ببینیم در آینده چه خواهد شد.

بعد از ده سال بدون کشف علت و عامل وجود اتفاق و ثبت قوانین سخت گیرانه برای مردم میگذرد. سون که خواستار ازدواج با دوست پسرش که در دانشگاه با هم آشنا شده اند می باشد و طبق قانون جدید، آزمایش سلامتی برای بچه دار شدن داده اند و نتیجه آزمایش جهت موافقت ازدواج به منزل اولدر ارسال می شود و الیون جواب آزمایش را دریافت می کند و سریع با ناین تماس میگیرد.

الیون : ناین امروز جواب آزمایش سون رو دریافت کردم و نتیجه اش مثبت هستش یعنی می تونن با هم ازدواج کنن.

ناین : عزیزم خیلی خوشحال شدم چون می ترسیدم اگر جواب منفی بشود از لحاظ روحی ضربه شدیدی به سون وارد بشه و مثل دختر همسایه و خیلی های دیگر اقدام به خودکشی بکند.

الیون : به نظرم باید سریع به سون اطلاع بدیم چون خیلی استرس داشت.

ناین : عزیزم خودت تماس بگیر و بهش بگو.

الیون تماس میگیرد و به سون نتیجه آزمایش را اطلاع می دهد که باعث خوشحالی سون می شود و طبق قانون جدید، هماهنگی های لازم برای ازدواج فراهم میشود. طبق قانون جدید هزینه های ازدواج را دولت پرداخت می کند و تا تولد فرزند، تاریخ نزدیکی زوج نیز توسط دولت تعیین می شود و از زمان ازدواج تا صاحب فرزند شدن، کلیه امورات زندگی اعم از مسکن و رفت آمد و مسافرت و تغذیه تحت کنترل شدید دولت صورت می گیرد تا بتوان از اتفاقات غیره مترقبه برای تولد جلوگیری و احتمال خطر برای بچه دار شدن کاهش یابد.

زمان زایمان سون فرا میرسد و ایون و ناین در بیمارستان منتظر بدنیا آمدن نوه شان هستند.

ایون : ناین من خیلی نگرانم.

ناین : عزیزم نگران نباش من مطمئنم نوه مان به سلامتی بدنیا میاد.

دکتر : تبریک میگم نوه شما یک دختره و هر دو در سلامت کامل هستند.

ایون : آقای دکتر کی میتونیم ببینیم.

دکتر : همین الان.

ایون و ناین سریع به بخش زایمان میرن.

ایون : سون جونم من فدات شم. ناین بین دخترمون چه نوه خوشگلی برامون آورده.

ناین : دخترم حالت خوبه.

سون : خوبم بابا.

ایون : خانم پرستار کی میتونم بغلش کنم.

پرستار : طبق قانون تا یک سال باید تحت نظر باشد و در این مدت به غیر از مادرش هیچ کس اجازه ندارد به بچه دست بزند. یک خبر هم به شما بدم که تیمی از

متخصصان علت وجود عامل ناشناخته رو پیدا کردند و بزودی راهی برای درمان نیز پیدا میکنند.

عصر همان روز آقا و خانم اولدر در خانه که داشتند تلویزیون نگاه میکردند، خبری مهمی پخش شد.

مجری: وزیر محترم پزشکی و رئیس کارگروه ویژه مهمان ویژه خبری ما هستند و قراره خبر مهمی رو به اطلاع عموم برسانند. آقای وزیر خوش آمدید.

وزیر: سلام میکنم خدمت بینندگان و شما و همکارانتان. تیمی متشکل از متخصصان کلیه رشته ها توانستند عامل ناشناخته که باعث مشکل تک فرزندی میشد را پیدا کنند. متخصصان فیزیک و ستاره شناسی متوجه شدند که پرتوهای نور ستاره ای که میلیارد ها سال نوری با سیاره ما فاصله دارد دلیل تداخل در دی ان ای پستانداران شده است و باعث عدم شناسایی کدهای کروموزوم مرد از سوی رحم مادر در تشکیل فرزند دوم میشود. این ستاره که حامل پرتوهای اشعه ای ناشناخته که بی اچ (bh) نامگذاری شده می باشد، هنگام پیدایش اولیه جهان در سیزده و هفت میلیارد سال پیش متولد شده و با اتمام انرژی در خود فرو رفته و منفجر شده است که پرتو هایش در دوازده سال پیش به سیاره ما

رسیده و باعث تغییر در دی ان ای پستانداران شده است. دانشمندان ثابت کردند قبلا نیز اتفاقی مشابه این باعث انقراض دایناسورها شده است و استدلال برخورد شهاب سنگ که تا به امروز به آن باور داشتیم، نادرست می باشد. این کشف بزرگ را به عموم مردم تبریک میگویم و قول میدهم بزودی درمان قطعی برایش خواهیم یافت.

بعد از گذشت یک سال متخصصان واکسنی به نام بی اچ (bh) جهت درمان تولید میکنند و که با تزریق آن به انسانها و حتی حیوانات باعث جلوگیری از انقراض در سیاره می شوند و به علت این اتفاق که باعث نزدیکی جوامع از هر گروه و نژادی به هم شده بود، تصمیم میگیرند نام سیاره خود را سیاره همدلی بگذارند. خانواده اولدر پسرشان وان نیز ازدواج کرده و ناین و الیون تنها شده اند.

ناین : عزیزم من دلیل منطقی برای خوابیدن چند ساله نسل هفتم اجدادمون نیز یافتم و حتما پرتوی ناشناخته یک شهاب سنگ می تواند باعثش باشد.

الیون : عزیزم دیدی می تونی دلپش رو پیدا کنی، من به هوش تو ایمان دارم. عزیزم یک مسئله ای رو بهت بگم.

ناین : چی شده عزیزم؟

الیون : چند روزه حالت تهوع دارم!

پایان



